

بررسی جواز استعمال سُبَّحَه (تسبیح) در شمارش اذکار بر اساس فقه مقارن

□ سید محمدطه خادمیان نوش آبادی *

چکیده

هدف حقیقی خلقت آدمیان، معرفت و عبادت پروردگار عالم بیان شده است و کریمه مبارکه وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (جن و انسان برای پرستش خدای سبحان آفریده شده اند). قطعا برای تحقق این هدف ارشاد و هدایت معبود ضرورت دارد. شارع مقدس برای آدمیان معتقد به دین صحیح، احکام و آداب و اعمال عبادی مخصوصی را تعیین نموده است که چگونگی انجام آن توسط پیامبران، امامان و در عصر غیبت از سوی فقهاء تبیین می شود. ذکر و چگونگی ادای آن نیز یکی از مصادیق پرستش و اطاعت است که در دین مبین اسلام از اهمیت بسیار بالا برخوردار است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه ای در راستای رسیدن به پاسخ این پرسش که استعمال سُبَّحَه (تسبیح) برای شمارش ذکر و ... دارای چه حکمی می باشد، به بررسی نظرات فقهی مذاهب اسلامی در خصوص استعمال سُبَّحَه (تسبیح) در انجام و شمارش اذکار و اوراد سامان یافته و به این نتیجه رسیده است استعمال سُبَّحَه نه تنها جایز بلکه در اولویت قرار دارد و بدعت دانستن آن از سوی وهابیت فاقد استناد قرآنی و روایی می باشد.

کلید واژه ها: تسبیح، سُبَّحَه، ذکر، وهابیت، فقه مقارن، بدعت، تربت.

* طلبه مدرسه علمیه امام حسن مجتبی (ع) حوزه علمیه تهران (شفق) - کارشناسی فقه و حقوق داکا ادیان و مذاهب.

مقدمه

دین، با اعمال عبادی که به پیروان خود ارائه می‌دهد جنبه کاربردی و تکاملی آن آشکار می‌گردد. اگر دین صرفاً یک باور ذهنی بود و هیچ گونه اعمال و دستوراتی را به پیروان خود نمی‌داد، اصلاً دیانت یک مفهوم پوچ و پوشالی بیش نبود.

قطع و یقین اوامر و نواهی دینی و چگونگی انجام آن در راستای توان و استطاعت آدمیان و تسهیل در انجام آن باید محقق شود.

در قرآن و روایات مومن موظف به ذکر در اشکال و اقسام مختلف شده است **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا**؛ ای جماعت مومن! خیلی به یاد خدا باشید (احزاب: ۴۱) چگونگی انجام ذکر نیز مورد ارشاد و اعلان قرار گرفته است.

به طور مثال اگر طبق دستور شارع مثلاً باید در تعقیبات نماز ۳۴ مرتبه تکبیر، ۳۳ مرتبه تحمید و ۳۳ مرتبه تسبیح گفت (کلینی، ج ۳، ص ۳۴۲)، و برخی نقل کرده‌اند سبحان الله بر الحمد لله مقدم است و آن را موافق با نقل عامه (اهل سنت) مانند بخاری دانسته‌اند (نراقی، ج ۵، ص ۳۹۵) با این وصف شرع و عقل برای شمارش و محاسبه تعدادی که شارع معین نموده است، راهکاری را تسهیل و تجویز می‌نماید. تا محاسبه با بند انگشتان و یا استفاده از ابزاری که مانند بند انگشتان بتواند شمارش صحیح آن چه شارع در انجام برخی اذکار و اوراد تعیین فرموده است را کاربردی نماید، جواز یا عدم جواز، موضوعی است که صحت و سقم آن نیاز به بررسی در منابع فقهی مذاهب اسلامی دارد تا مشروعیت یا بدعت آن روشن گردد. این پژوهش با بررسی متون روایی و فقهی مذاهب اسلامی به بررسی جواز یا عدم جواز استعمال سبحة (تسبیح) که ابزاری برای شمارش اذکار می‌باشد، پرداخته است.

تسبیح یا سبحة

سُبْحَة یا **مِسْبَحَة** که در استعمال رایج در میان مردم از آن به تسبیح یاد می‌شود، وسیله‌ای است که از مهره‌هایی به رشته کشیده شده با رشته‌ای از گره، دانه‌های گیاهی، مهره‌های سنگی و سفالی ساخته شده است که در میان دین داران برای شمارش ذکر و دعا استعمال می‌گردد و در

میان فارسی زبانان از آن به تسبیح و در عربی به آن (سبحه) گفته می‌شود. همچنین سُبحه به نماز مستحب، گفته می‌شود (طریحی، ج ۲، ص ۳۲۴- ابن منظور، ج ۲، ص ۴۷۳)

در تبیین واژه تسبیح و صحت استعمال آن در زبان و لغت با نظرات مختلفی مواجه هستیم که هر یک از کاوشگران درباره کلمه تسبیح (در عربی سُبحه و مُسَبَّحه) نظراتی را ارائه داده‌اند. برخی تسبیح را تصحیف تسلیخ و تشلیخ (به معنای سجاده و جانماز) و از غلط‌های مشهور می‌دانند. در مقابل عده‌ای دیگر با اشاره به نصوصی که در آثار ادب فارسی و اشعار برخی شاعران کهن عرب - که واژه تسبیح را عیناً به معنای رشته‌ای از مهره‌ها آورده‌اند - آمده است، استعمال آن را «صحیح و فصیح» دانسته‌اند. علامه قزوینی به برای کاربرد واژه تسبیح/تساییح در ادبیات عرب به نسخه خطی دیوان ابونواس استناد کرده است. با این حال در بعضی از نسخه‌های چاپ شده این دیوان واژه تساییح موجود نیست و واژه مساییح وجود دارد (موسوی بجنوردی، ج ۱۵، ص ۲۸۹)

در صحاح سته، سُبْحه به معنای نماز نافله و دعا و ذکر نیز به کار رفته است (نيسابوری، ج ۱، ص ۴۹۷- ابن حنبل، ج ۵، ص ۲۶۸)

تسبیح مسلمانان عموماً صد دانه (مهره) دارد که شاید نماد ۹۹ اسم از اسماء الحسنی به اضافه اسم جلاله الله و یا برابر اذکار تسبیحات حضرت زهرا(س) باشد. تسبیح صد دانه‌ای با دو مهره کوچکتر یا بزرگتر به نام «عدسک» به سه قسمت ۳۳ دانه‌ای تقسیم می‌شود و با احتساب مهره بزرگتری به نام «شیخک» یا «امام»، که معمولاً مخروطی است و دو سر رشته تسبیح را به هم وصل می‌کند، شمار دانه‌ها به صد می‌رسد. تسبیحهای ۳۴ دانه‌ای نیز در میان مسلمانان رواج دارد (حداد عادل، ج ۷، ص ۲۹۷)

سُبْحه و تسبیح در رنگ، اندازه و جنس دانه‌های آن دارای تنوع فراوان است. تسبیح ازگل، شیشه، فلز، چوب، صدف، هسته میوه‌ها مخصوصاً خرما و دانه یا صمغ گیاهان، مرجان و یُسِر (درختی با دانه‌های خوشبو به رنگ سیاه)، فیروزه، یاقوت، زمرد، عقیق، یشم، یاقوت، زمرد، عاج فیل، استخوان شتر و شاخ گوزن و اخیراً با انواع پلاستیک در رنگهای مختلف ساخته می‌شود. نخ و رشته سُبْحه یا تسبیح نیز از جنس پشم، ابریشم یا پلاستیک است و در اغلب

تسبیحها در قسمت انتهایی امام یا شیخک، منگوله‌ای قرار دارد که گاه زربفت است. برخی از انواع تسبیحها عبارت‌اند از: تسبیح تربت که از خاک مرقد امام حسین علیه السلام و قبلاً از خاک مرقد حضرت حمزه علیه السلام ساخته می‌شد. شیعیان عموماً از این تسبیح‌ها استقبال می‌کنند، زیرا بنا بر روایات، در دست داشتن آن حتی بدون ذکر توصیه شده است. (مجلسی، ج ۸۲، ص ۳۳۳)

تسبیح شاه مقصود که آن را در افغانستان می‌سازند و سنگ آن از معادنی در منطقه قندهار به دست می‌آید. به این تسبیح که معمولاً به رنگ سبز روشن است - تسبیح پادزهری هم می‌گویند، زیرا سنگ آن، بنا بر مشهور، خاصیت زهرکشی دارد. رنگهای سفید و قرمز این تسبیح بندرت یافت می‌شود. تسبیح یمانی ساخت یمن که از عقیق است تسبیح عین الهیره (چشم گربه) که از نوعی سنگ در هندوستان ساخته می‌شود. تسبیح کهربایی که آن را از صمغ گیاهان می‌سازند و چون با گردانیدن در دست و مالش، برق ساکن در خود ذخیره می‌کند به آن کهربایی می‌گویند.

این تسبیح دوگونه است: نوع آتشگیر که به آن بارقه می‌گویند و نوع دیگر که به آب حیات شهرت دارد، تسبیح چشم بلبل که مهره‌های آن خالهایی به غیر رنگ خود دارد تسبیح نقره کوب که دانه‌های آن از یسر است و بر روی آن میخهای کوچک نقره‌ای برای زینت کوبیده‌اند؛ تسبیح جوینی و علی مرادی یا شاه علی مرادی که با سنگ قرمزی که از منطقه جوین به دست می‌آمد، ساخته می‌شد و امروزه دیگر ساخته نمی‌شود. تسبیحی معروف به کار عبدالله که قبلاً درویشی بدین نام در کرمانشاه آن را می‌ساخت و مخلوطی از گِل و براده‌های طلا و نقره بود. (صدر حاج سیدجوادی و همکاران، ج ۴، ص ۲۴۲ - حداد عادل، ج ۷، ص ۲۹۸)

استعمال تسبیح

غیر از وهابیون که استعمال تسبیح را بدعت می‌دانند (حداد عادل؛ ج ۷، ص ۲۹۷)، استعمال سبحة یا تسبیح برای انجام و شمارش دعا و ذکر در میان مسلمانان، امری رایج و متعارف است. وهابیان کاربرد تسبیح را برای شمارش دفعات ذکر ادعیه، بدعت در دین دانسته و بکارگیری انگشتان دست را جهت شمارش اذکار و .. توصیه نموده‌اند.

البانی بر خلاف اجماعی که از سوی علما بر این مساله وجود دارد این فعل را بدعت در دین دانسته و به شدت با آن مقابله نموده است. (البانی، ج ۱، ص ۱۸۴)

در متون فقهی اهل سنت آمده است: اجازه الفقهاء التسبیح بالید و الحصى و المسابح خارج الصلاة و اما فی الصلاة فانه یکره لانه لیس من اعمالها و عن ابی یوسف و محمد: انه لا یس بذلک فی الفرائض و النوافل جمیعا مراعاة لسنة القراءة و العمل بما جاءت به السنة (الموسوعة الفقهية، ج ۱۱، ص ۲۸۳)

درباره استفادۀ از تسبیح در میان اهل تسنن روایات مختلفی وجود دارد: برخی کتب حدیث اهل سنت همراه داشتن تسبیح را به مسلمانان توصیه می‌کند و به تسبیح گرداندن پیامبر ﷺ نیز اشاره دارد. (نسائی، ج ۳، ص ۷۴- ابو داود، ج ۵، ص ۳۰۹- قمی، ص ۳۵۸) البته در برخی منابع دیگر اهل سنت با نقل وایاتی دیگر از قول پیامبر اکرم ﷺ استعمال تسبیح را در شمارش اذکار و... نکوهش می‌کند. (ترمذی، ج ۵، ص ۵۲۱)

با امعان نظر در منابع روایی و فقهی اهل سنت به روایتی بر می‌خوریم که حکایت از این دارد حضرت پیامبر اکرم ﷺ تسبیحی داشته است. (نسائی، ج ۳، ص ۷۴) و در مقابل، روایاتی نقل شده است به این مضمون که پیامبر ﷺ افرادی را که با انداختن ریگ، اذکار را می‌شمردند، نهی نموده و توصیه کرده که شماره اذکار را با انگشتان دست ثبت کنند. (ترمذی، ج ۵، ص ۵۲۱)

برخی از بزرگان حدیث در تبیین نوشته‌اند: این‌گونه روایات متعلق به اوایل هجرت پیامبر ﷺ بوده و نمی‌تواند مشیر بر نهی استفاده از تسبیح باشد؛ زیرا که در روایت آمده است: واعقدن بالانامل فانهن مسئولات مستنطقات، (ابوداود، ج ۲، ص ۱۷۰) و ظاهرا شمارش با انامل (انگشتان دست) در صورت فقدان سبّحه (تسبیح) است و برای زنان افضا ذکر با سر انگشتان است (مجلسی، ج ۸۲، ص ۳۴۱). و برخی از فقهای اهل سنت قائل هستند: شمارش اذکار با بند انگشتان با دست در صورت عدم خطا در شمارش افضل است و الا با تسبیح اولی است (ابن عابدین، ج ۱، ص ۴۶۷)

جلال الدین عبدالرحمان سیوطی با ارائه روایاتی و بر اساس آن‌ها استنباط کرده است که تسبیح در زمان پیامبر ﷺ بین صحابه و بعدها نزد تابعین و همچنین صوفیه رایج بوده و استفاده

از آن نهی صریح نشده است (سیوطی، ج ۲، ص ۵) شوکانی بابی را به عنوان جواز ذکر با انگشت و شمارش با تسبیح دارد (شوکانی، ج ۲، ص ۳۵۲)

در منابع معتبر اهل سنت از صفیه اینگونه وارد شده است:

عَنْ صَفِيَّةَ، قَالَتْ: دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَبَيْنَ يَدَيِ أَرْبَعَةِ آلَافٍ نَوَاةٍ أُسْبِحَ بِهِنَّ، فَقَالَ: «يَا ابْنَةَ حُبَيْبٍ مَا هَذَا؟» فَقُلْتُ: أُسْبِحُ بِهِنَّ، فَقَالَ: «قَدْ سَبَّحْتُ مُنْذُ قُمْتُ عَلَى رَأْسِكَ بِأَكْثَرِ مِنْ هَذَا»، قُلْتُ: فَعَلَّمَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «قُولِي سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ مِنْ شَيْءٍ» (ترمذی، ج ۵، ص ۴۴۷) از صفیه وارد شده است: رسول الله ﷺ بر من وارد شد، در حالی که در دست من تسبیحی از سنگ ریزه بود که تعدادش چهار هزار بود و با آن تسبیح می‌گفتم، رسول الله ﷺ فرمودند: ای دختر حبی این چیست؟ گفتم: با این ذکر می‌گویم، پیامبر ﷺ فرمودند: قبل از اینکه کنارت باشم بیشتر این را گفته‌ام، گفتم یا رسول الله ﷺ به من هم بیاموزید، ایشان فرمودند: بگو سبحان الله عدد ما خلق من شیء.

این روایت شریف را حاکم نیشابوری صحیح دانسته است البته به شرط شیخین (حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۷۳۲)

همچنین روایت کرده‌اند:

عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنْ أَبِيهَا، أَنَّهُ دَخَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى امْرَأَةٍ وَبَيْنَ يَدَيْهَا نَوَى - أَوْ حَصَى - تُسَبِّحُ بِهِ، فَقَالَ: «أَخْبِرْكِ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكِ مِنْ هَذَا - أَوْ أَفْضَلُ -»، فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ بَيْنَ ذَلِكَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلُ ذَلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلُ ذَلِكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلُ ذَلِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلُ ذَلِكَ» (ابوداود سجستانی، ج ۲، ص ۸۰) از عایشه دختر سعد بن ابی وقاص از پدرش، گفت: او همراه رسول الله ﷺ به خانه زنی وارد شدند در حالی که در دستش تسبیحی بود که با آن ذکر می‌گفت، پس رسول الله ﷺ فرمودند: به تو بگویم کاری را که راحت‌تر از این است؟ پس پیامبر ﷺ فرمودند اینگونه بگو....

در متون قابل اعتنا گزارش شده است: حضرت زهرا علیها السلام از نخستین کسانی بود که از تسبیح استفاده می کرد و برای گفتن تسبیحات پس از نماز (۳۴ تکبیر، ۳۳ تسبیح، ۳۳ تحمید) رشته ای نخ پشمی که ۳۴ گره داشت، به کار می برد و آن حضرت بعد از واقعه جنگ احد و شهادت جانشوز حضرت حمزه علیه السلام عموی پیامبر صلی الله علیه و آله از خاک مزار وی تسبیحی گلین ساخت و با آن اذکار را شماره نموده و شیعیان نیز به پیروی از حضرت زهرا علیها السلام برای تبرک، از تربت کربلا، مزاری مقدس حضرت امام حسین علیه السلام، تسبیح می سازند که به «تسبیح تربت» یا «تسبیح کربلایی» معروف است. (مجلسی، ج ۸۲، ص ۳۳۳)

همچنین روایت شده است که وقتی امام سجاده علیه السلام را به مجلس یزید می بردند آن حضرت تسبیحی در دست داشت،

وروی أنه لما حمل علی بن الحسین علیه السلام إلى یزید لعنه الله هم بضرب عنقه فوقه بین یدیه وهو یکلمه لیستطقه بکلمة یوجب بها قتله وعلی علیه السلام یجیه حسب ما یکلمه وفي یده سبحة صغیرة یدیرها بأصابعه وهو یتکلم فقال له یزید أکلمک وأنت تجبینی وتذیر أصابعک بسبحة فی یدک فکیف یجوز ذلك فقال حدثنی ابی عن جدی أنه کان إذا صلی الغداة وانفتل - لا یتکلم حتی يأخذ سبحة بین یدیه فیقول اللهم إنی أصبحت أسبحک وأمجدک وأحمدک وأهللک بعدد ما أذیر به سبحتی ویأخذ السبحة ویدیرها وهو یتکلم بما یرید من غیر أن یتکلم بالتسبیح وذكر أن ذلك محتسب له وهو حرز إلى أن یأوی إلى فراشه فإذا أوی إلى فراشه قال مثل ذلك القول ووضع سبحته تحت رأسه فهي محسوبة له من الوقت إلى الوقت ففعلت هذا اقتداء بجدی. علامه مجلسی و دیگران روایت کرده اند که چون امام سجاده علیه السلام را به شام بردند، روزی یزید آن حضرت را نزد خود فراخواند و از هر دری سخن می گفت، تا شاید بهانه ای به دست آورد و امام را به قتل رساند، امام سجاده هر سؤالی را به تقریب جواب می فرمود و تسبیحی که در دست داشت می گردانید. یزید ناگهان برآشفته و گفت: در اثنای سخن گفتن با من تسبیح می گردانی؟ امام سجاده علیه السلام فرمود: از پدرم شنیدم که چون جد بزرگوارم نماز فریضه صبح را به جای می آورد، پیش از آنکه با کسی سخن گوید، تسبیح در برابر خود می نهاد و می گفت:

الهم انّی اصْبَحْتُ اُسْبَحُكَ وَاَمَجْدُكَ وَاَحْمَدُكَ وَ اَهْلِلَكَ بعدد ما اديرُ به سُبْحَتی
 آنگاه تسبیح را بر می‌داشت و می‌گردانید، و هر سخنی میگفت و میفرمود این
 سبحة گردانیدن، ذکر کردن محسوب است و من در پناه آنم تا شب به بستر روم و
 چون در بستر می‌رفت همان دعا را میخواند و سبحة زیر بالین مینهاد و برای او
 تسبیح محسوب می‌گردید تا وقت دیگر فرا برسد. و من در این کار به جد خویش
 اقتدا کرده ام (مجلسی، ج ۴۵، ص ۲۰۰)، همچنین نقل است جناب فاطمه دختر
 امام حسین (عهما) نیز تسبیح مخصوص داشته است (سیوطی، ج ۲، ص ۳) از امام
 صادق (علیه السلام) روایت می‌کنند که تسبیح برای شیعیان مخصوصا از تربت امام
 حسین (علیه السلام) را توصیه کردند (مجلسی، ج ۸۲، ص ۳۳۴) امام زمان (علیه السلام) فرموده‌اند:
 «تسبیحی که دانه‌های آن از تربت امام حسین (علیه السلام) باشد، بهترین وسیله شمارش
 ذکرهاست؛ زیرا کسی که آن را در دست دارد، حتی اگر ذکر تسبیح را فراموش کند
 و آن را در دستانش بچرخاند، ثواب تسبیح برای او نوشته می‌شود».
 (طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۹) و لذا برخی از فقهای امامیه با استناد به این توقیع شریف
 بر استحباب ذکر گفتن به وسیله تسبیح تربت فتوا داده‌اند (بحرانی، ج ۸، ص ۵۲۵)
 عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:
 دَخَلْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَا تَسْتَغْنِي شِيعَتُنَا عَنْ أَرْبَعِ خُمْرَةٍ يَصَلِّي عَلَيْهَا وَ خَاتَمٍ يَتَخَتَّمُ
 بِهِ وَ سِوَاكَ يَسْتَاكُ بِهِ وَ سُبْحَةٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِيهَا ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ
 حَبَّةً مَتَى قَلَبَهَا ذَاكِرًا لِلَّهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ أَرْبَعُونَ حَسَنَةً وَ إِذَا قَلَبَهَا سَاهِيًا
 يَغَبَثُ بِهَا كُتِبَ لَهُ عَشْرُونَ حَسَنَةً (طوسی، ج ۶، ص ۷۵) یکی از اصحاب گوید: بر
 امام کاظم صلوات الله علیه وارد شدم. پس امام فرمود: شیعیان ما از چهار چیز
 بی‌نیاز نیستند: سجاده‌ای که بر آن نماز بخواند و انگشتری که در دست کند و
 مسواکی که با آن مسواک بزند و تسبیحی از تربت امام حسین صلوات الله علیه که
 در آن ۳۳ دانه باشد که هر موقع آن را با ذکر الهی بگرداند، با هر حبه‌ای چهل
 حسنه برایش نوشته می‌شود و در صورتی که آن را در حال غفلت و بدون هدف
 بگرداند، ۲۰ حسنه برایش نوشته می‌شود.

قَالَ الصَّادِقُ السُّجُودُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ يُنَوِّرُ إِلَى الْأَرْضَيْنِ السَّبْعَةِ وَ

مَنْ كَانَتْ مَعَهُ سُبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ كُتِبَ مُسَبِّحًا وَإِنْ لَمْ يُسَبِّحْ بِهَا

(صدوق، ج ۱، ص ۲۶۸) امام صادق علیه السلام فرمود: سجده کردن بر تربت امام حسین علیه السلام

تا زمین‌های هفتگانه نور می‌دهد و کسی که تسبیحی از خاک قبر امام حسین علیه السلام

همراهش باشد، تسبیح گوینده نوشته می‌شود، هر چند با آن تسبیح نگوید

نتیجه

با ملاحظه مطالب پیش گفته، روشن می‌شود، استعمال تسبیح از نظر روایات و فقهاء امر جایزی بوده است و هرگز بدعت نیست بلکه اگر برای مصون ماندن از خطا در شمارش اذکار و ادعیه و اوراد و ... باشد دارای اولویت و فضیلت است و فقهای مذاهب اسلامی داشتن و استعمال تسبیح را ممدوح و جایز دانسته و در اعلان بدعت بودن استعمال تسبیح و هابیت مانند اکثر نظرات خود، متفرد بوده و دلیلی بر حرمت و بدعت استعمال تسبیح از قرآن و سنت ارائه نکرده بلکه آن چه از متون روایی و فقهی بدست می‌آید جواز استعمال تسبیح می‌باشد. و لذا در متون حدیثی و فقهی امامیه آمده است: تهیه تسبیح از جنس تربت امام حسین علیه السلام و شمارش تسبیحات حضرت فاطمه (س)، بلکه گفتن هر ذکری با آن و حتی گردانیدن آن در دست هر چند بدون ذکر، مستحب است. (حرعاملی، ج ۱۴، ص ۵۳۶) و می‌توان با تسبیح استخاره هم نمود (نجفی، ج ۱۲، ص ۱۷۲) و در متون فقهی اهل سنت نیز آمده است: از حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده که سبْحَه (تسبیح) خود یادآوری است و روایات زیادی از روش اصحاب و امهات گزارش شده که از تسبیح استفاده می‌کردند و اگر برای حفظ از غلط و اشتباه باشد اولویت دارد (قاری، ج ۳، ص ۴۳) و با استناد به تقریر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عمل سعد بن ابی وقاص یک اصل صحیح در تجویز استعمال سبْحَه (تسبیح) منعقد می‌گردد (سهارنفوری، ج ۶، ص ۲۲۹)

کتابنامه

قرآن مجید

- ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق
- ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الذر المختار، المكتبة الحبيبية، پاکستان، بی تا
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق
- البانی، ناصر، سلسلة الضعيفة، مكتبة المعارف، ریاض، بی تا
- ابو داود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، المكتبة العصرية، بیروت، بی تا
- بحرانی، یوسف، حدائق الناضرة، جامعه مدرسين قم، ایران، ۱۳۷۰
- ترمذی، محمد، سنن ترمذی، دار الغرب الاسلامی، بیروت، ۱۹۹۸م
- حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ق
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت ع، ایران، ۱۳۸۴
- حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ایران، ۱۳۸۲
- سهارنفوری، احمد، بذل المجهود فی حل سنن ابی داود، دارالبشائر الاسلامیة، بیروت، ۱۴۰۳ق
- سیوطی، عبدالرحمن، الحاوی للفتاوی، دارالجليل، بیروت، ۱۴۱۲ق
- شوکانی، محمد، نیل الاوطار، دارالحديث، ۱۴۱۲ق
- صدر حاج سید جوادى، احمد، همکاران، دائره المعارف تشیع، انتشارات حکمت، ایران، ۱۳۹۱
- صدوق، محمد، من لا یحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ایران، ۱۳۷۰
- طبرسی، احمد، احتجاج، نشر مرتضی، ایران، ۱۴۰۳ق
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مرتضوی، ایران، بی تا
- طوسی، محمود، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، ایران، ۱۳۶۳ش
- قاری، علی بن سلطان، مرقاة المفاتیح، مكتبة الرشيدية، پاکستان، بی تا
- قمی، عباس، نفس المہوم، ابوالحسن شعرانی، هجرت، ایران، ۱۳۸۱
- کلینی، محمد، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ایران، ۱۳۶۳ش
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۳ق
- موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

ایران، ۱۳۸۷

الموسوعة الفقهية، هیات کبار علماء الاسلام، مكتبة رشيدية، پاکستان، بی تا
نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲ش
نراقی، احمد، **مستند الشیعه**، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ایران، ۱۴۲۹ق
نسائی، احمد، **سنن نسائی**، مکتب المطبوعات الاسلامیة، سوریه، ۱۴۰۶ق
نيسابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، دارالکتب العلمیة، بیروت، بی تا.

